

تجربہ

عنوان درس

جریان شناسی

ویژہ میانسال

ارائہ محتوا جهت استفادہ

مربیان، ائمہ جماعت و والدین محترم

www.SalehinZn.ir



فهرست

۲	جریان شناسی
۲	مبانی فکری امزاد ایران
۲	امزاد ناسیونالیست و ملی‌گرا
۴	منابع



مبانی فکری احزاب ایران

بطور کلی احزاب سیاسی ایران از جهت فکری به پنج دسته تقسیم می شوند:

۱- احزاب ناسیونالیست و ملی گرا

۲- احزاب دینی (اسلامی)

۳- احزاب کمونیستی

۴- احزاب تلفیقی و التقاطی

۵- گرایشات سیاست گریز دینی

۱- احزاب ناسیونالیست و ملی گرا:

جریان ملی گرایی در ایران، مصادف با ظهور و بروز جریان روشنفکری آغاز شد. از زمان نهضت مشروطیت و در کنار نیروهای مذهبی، طبقه جدیدی تحت عنوان منورالفکر پدید آمد که گاهی نیز گرایش‌هایی سکولار داشتند. میرزا ملکم خان ناظم الدوله، میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا عبدالرحیم طالبوف و میرزا آقاخان کرمانی از اصلی‌ترین افراد این جریان در صدر مشروطه بودند. شعار اصلی ملکم خان که در جریان روشنفکری تداوم یافت، «اخذ بدون تصرف فرهنگی» بود.

این جریان نیز در بعضی مواقع به کژراهه‌هایی نیز کشیده شد که لطمات جبران ناپذیری به هویت و آرمان‌های این گرایش وارد ساخت. ترویج فراماسونری، مبارزه جدی با مذهب (آن هم در کشوری همچون ایران که مذهب با سنن و فرهنگ مردم آنچنان عجین گشته که تمایز و خط جدایشی برای این دو نمی توان قائل شد)، اندیشه ترقی و ناسیونالیسم ایرانی از اشتباهات فاحشی بود که به دلیل عدم جذابیت برای عامه مردم و همچنین نداشتن پشتوانه مردمی آنها را منزوی نمود.

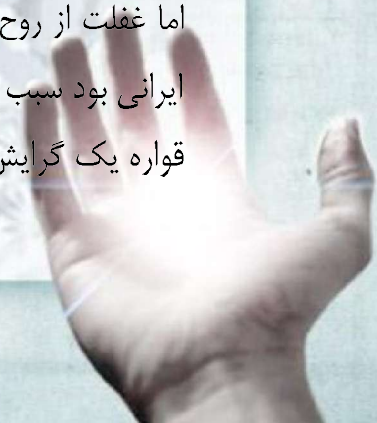
در این میان آخوند زاده و میرزا آقاخان، مروج «ناسیونالیسم ایرانی» بودند که ریشه اش در عهد قدیم و قبل از اسلام بود. تفکری که در اندیشه و تز طرفداران رضاخان و «محمد علی فروغی» به اوج خود رسید و بنای ایدئولوژی رژیم پهلوی را گذاشت.

به هر روی با ظهور این جریان جدید، تغییر عظیمی در مسیر حیات سیاسی مردم و جامعه ایرانی رخ داد که یک طرف آن به ناسیونالیسم منحط پهلوی (آریایی گری افسانه‌ای) و طرف دیگر آن به جریان روشنفکری غربی و ملی گرای جدید ایران منتهی شد. در این میان تلاشهای زیادی برای سکولاریزه نمودن جامعه آن زمان رخ داد، که در این طیف از افراد وابسته به دربار تا مبارزین آزادیخواه وجود داشتند. افرادی همچون؛ حسن تقی زاده، علی اکبر دهخدا، میرزا جهانگیرخان صور اسرافیل، میرزا عباسقلی آدمیت، سید نصرالله تقوی، محمد علی فروغی، میرزا محمود احتشام السلطنه، ملک المتکلمین، حسین مشیرالدوله، احمد کسروی، سید ضیاء طباطبایی، احمد قوام، دکتر محمد مصدق و برخی دیگر از تحصیل کردگان اروپایی که همگی از سردمداران فکری و سیاسی این جریان بودند.

با بررسی بیشتر، اختلافات عدیده‌ای در این جریان مشاهده می شود که تا حدود زیادی به اختلافات درونی جامعه غرب باز می گردد، چرا که هر یک از این افراد معرف و دلبسته یکی از گرایشات تمدن غربی بودند و خواهان طی طریق در آن مسیر بودند.

جریان روشنفکری با استفاده از اندیشه و تمدن غربی و ملیت پرستی، توانست در دوره‌ای حتی پرچمدار نخست حرکات و نهضت‌های آزادیبخش باشد و سبب همبستگی و متحد شدن مردم گردید.

اما غفلت از روح سنتی جامعه ایران و شالوده‌های آنکه همانا اسلام و فرهنگ سنتی ایرانی بود سبب گشت تا پس از مدتی به راحتی جایگاه خویش را از دست بدهند و تنها در قواره یک گرایش فکری باقی بمانند.



ملی گرایی از جهت سیاسی، بعد از جنگ جهانی دوم (۲۰ شهریور ۱۳۲۰) ظهور پیدا کرد و مهمترین تشکل سیاسی این گرایش، «جبهه ملی» بود که در بحبوحه ملی شدن نفت در کنار آیت الله کاشانی و دیگر نیروهای مذهبی به ایفای نقش پرداخت، که در این میان تاثیرگذارترین و پررنگ ترین عامل به ثمر رسیدن این جنبش بود. دکتر محمد مصدق که در رأس جبهه ملی قرار داشت، مظهر و رهبر اصلی این جبهه و نیز از پیشگامان جریان روشنفکری و ناسیونالیسم آن زمان علیه استبداد محمدرضا شاهی و استعمار انگلستان بود؛ اما بدلیل مسائلی (که بعدا به طور مفصلی بدان خواهیم پرداخت) نتوانست چنانچه باید به ایفای نقش بپردازد، بدین جهت بعد از کودتای مرداد ۳۲ فعالیت جبهه ملی نیز به صورت پراکنده و کم جلوه ادامه یافت تا اینکه بعد از انقلاب اسلامی مجددا احیا شد، اما بنا به دلایلی پس از مدتی دوباره به گوشه عزلت رانده شد. در کنار جبهه ملی احزابی همچون «حزب ملت»، «پان ایرانیسم» و «حزب ایران» نیز فعالیت می کردند که بعدا بدان ها نیز اشاره خواهد شد.

منابع

احزاب سیاسی در ایران، شورای پژوهشگران، ۱۳۷۳، مهر.
اسناد احزاب سیاسی ایران، بهروز طیرانی، ۱۳۷۶، سازمان اسناد

